

گفتمان جدید خارج از گفتمان مرسوم موجود و خارج از گفتمان روشنفکران. ساختار سیاسی باید نگاه خود را تغییر دهد زیرا در غیر این صورت به دلیل مشکلات، جامعه با مسائل عدیده‌ای مواجه خواهد بود. این مسائل و بحران‌ها ممکن است همه دستاوردهای انقلاب و دستاوردهای جبهه مقاومت را از دست داده و خون شهدا پایمال می‌شود. در سوی دیگر اگر روشنفکران و نخبگان نوع نگاه خود را تغییر ندهند و مسائل امنیت ملی و ژئوپولیتیک کشور را درک نکنند، در زمین دشمنان مردم و کشور بازی خواهند کرد و همه نیروهای شان را در جهت تخریب به کار خواهند گرفت که به نفع کشور و مردم محروم و مظلوم جامعه ما نیست.

«بنابراین روشنفکران ما به یک همپوشانی نظری برای ایران ایده آل نرسیدند و نمی‌دانند چه جامعه و با چه خصوصیاتی می‌خواهند.

بله. واقعیت این است که روشنفکران ما در واقع یک ایده آل و وجه ایجابی

مانند ایران وجود ندارد؛ توسعه محور بیندیشیم تا زمینه‌های توسعه سیاسی هم پیدا شود، این بسیار مؤثر خواهد بود. اما یک مشکل تاریخی هم داریم. باید ببینیم وظیفه هر کدام از بخش‌ها و نیروها در جامعه و در مسیر حرکت جامعه کدام است. امروز توده‌ها مشکل زندگی دارند. البته نظام تبلیغاتی غرب در تلاش است تا شکاف اجتماعی جامعه ما را بیشتر کند و متأسفانه روشنفکران و نخبگان و فعالان سیاسی اجتماعی ما هم به این شکاف دامن می‌زنند. نخبگان وظیفه دارند به یک ایده ملی شکل بدهند و همه نیروهای اجتماعی را در کنار هم‌دیگر قرار بدهند، نه اینکه فقط به بخشی از نیازهای فکری جامعه پاسخ بدهند. نخبگان گفتمان انقلاب هم فقط با بخشی از جامعه ارتباط دارند و بخش دیگر را نادیده می‌گیرند. نقادان حاکمیت و روشنفکران هم بخشی از جامعه را که معترض هستند می‌بینند و بخش دیگر که نیروهای انقلابی و سنتی هستند را نمی‌بینند. درحالی که ما باید به دنبال خلق گفتمان جدید باشیم،

ندارند. بیشتر می‌گویند که چه چیزی را نمی‌خواهند؛ مانند همین جملات که ما می‌خواهیم یک زندگی نرمال داشته باشیم، روشنفکران بیشتر احساسات و عواطف را بیان می‌کنند و از آرزوها سخن می‌گویند. هیچ‌کدام بیان نمی‌کنند که چگونه و از چه طریق می‌خواهند به آن برسند. راه‌هایی که پیشنهاد می‌دهند یک نمونه تاریخی ندارد. اعلام می‌کنند ما با آمریکایی‌ها مذاکره کنیم، اما دقت نمی‌کنند که آمریکایی‌ها نشستند با ما مذاکره کنند. امروز چنین نیست که ما نمی‌خواهیم مذاکره کنیم، مسأله این است که اصلاً طرف مقابل ما را به رسمیت نشناخته است. قبول مذاکره کنیم یا چه کسی؟ می‌گویند اگر مذاکره کنیم تحریم‌ها لغو می‌شود. مگر آمریکا ۶۰ سال است که تحریم کوبا را برداشته است؟ آیا تحریم‌های ونزوئلا را لغو کرده است؟ تحریم‌ها را کنگره آمریکا اعمال کرده و رئیس‌جمهوری هم حق ندارد مصوبات کنگره را لغو کند. روشنفکران ما گاهی اوقات اطلاعات غلطی را به جامعه تزریق می‌کنند. از سوی دیگر حاکمیت باید بخش نادیده انگاشته شده جامعه را ببیند. باید با شیوه‌های نرم برخورد کند. باید اشتباهاتش را بپذیرد. چندین دهه بخش نوگرایی جامعه را ندیده و نفی و انکار کرده است و حالا این بخش طغیان کرده و به سیاست واکنشی می‌پردازد. ما با شرایط بسیار پیچیده تاریخی مواجه هستیم و اگر نتوانیم روی عقلانیت دست بگذاریم و همچنان با احساسات جلو برویم، ممکن است سرنوشت کشور خوب نباشد.

«عامل نبود همپوشانی چیست؟»

روشنفکران ما به جانب غرب روی آوردند. تجربه اوکراین نشان داد راه‌هایی که به غرب منتهی شود، جز بیراهه نیست. ما در جامعه ظرفیت‌های بزرگی داریم، به لحاظ هویت تاریخی، یک ملت طبیعی با هویت تاریخی و خرد ایرانی هستیم. از طریق همین فرهنگ و میراث بزرگی که داریم به یک استقلال سیاسی نسبی رسیدیم و قدرت دفاعی نسبی پیدا کردیم. اینها سرمایه‌های ما هستند اما این دو قطبی بودن جامعه و شکاف اجتماعی که میان دو قطب جامعه ما هست، یعنی بخش نوگرایی جامعه و روشنفکرانی که در این طیف قرار دارند با نیروهای سنتی، ما را در موضع ضعف قرار داده است. ما نیازمند ایده‌هایی هستیم تا بشود همه ایرانیان را در آن جای داد و من فکر می‌کنم امروز خود ایران مهم‌ترین مسأله است. حالا باید ببینیم چگونه می‌توانیم تمام نیروها را حول تمامیت ارضی ایران حفظ کنیم. ♦



نخبگان وظیفه دارند به یک ایده ملی شکل بدهند و همه نیروهای اجتماعی را در کنار هم‌دیگر قرار بدهند، نه اینکه فقط به بخشی از نیازهای فکری جامعه پاسخ بدهند. نخبگان گفتمان انقلاب هم فقط با بخشی از جامعه ارتباط دارند و بخش دیگر را نادیده می‌گیرند

یعنی گفتمانی که بتواند ایده‌های فراگیر را در نظر بگیرد. در حاکمیت و طرفداران آن و در روشنفکران و نیروهای اجتماعی، نوعی احساسات‌گرایی وجود دارد که در این احساسات‌گرایی هر دو طرف به تهمیج و بسیج احساسات می‌پردازند. به جای اینکه به تحریک احساسات بپردازیم باید به تحریک اجتماعی فکر کنیم. جامعه چگونه قدرت پیدا می‌کند؟ کسب قدرت جامعه کاری است که نخبگان جامعه هر دو طرف به آن بی‌توجهاند. من فکر می‌کنم ما نیازمند یک گفتمان ملی هستیم. خلق